

مذاکرات عهدنامه ترکمانچای بین ایران و روسیه و پرداخت غرامات جنگ در طول سلطنت سه پادشاه

فاطمه قاضیها^۱

چکیده

مفاد عهدنامه گلستان نه روس‌ها را راضی کرده بود و نه حکومت ایران را؛ به‌خصوص به سبب ابهاماتی که در خطوط سرحدی وجود داشت. در این رابطه، گهگاه تجاوزهایی از سوی روس‌ها به ایران صورت می‌گرفت، تا اینکه در سال ۱۲۴۱ق. قوای روس، گوگچه را تصرف کردند. این واقعه مزید بر اخبار وحشتناکی که از زجر و شکنجه اهالی قفقاز به دست روس‌ها می‌رسید، شروع جنگ دوم بین ایران و روس را اجتناب‌ناپذیر کرد. بنابراین، با موافقت سیاسیون، حکم جهاد از طرف علما صادر شد و قشون ایران به فرماندهی عباس میرزا جنگ را شروع کرد. دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه در ۲۲ ذی‌حجه ۱۲۴۱ آغاز شد و نبردها قریب دو سال طول کشید تا اینکه با شرایط نامطلوب حاکم بر اوضاع، پیشنهاد صلح روس‌ها مورد استقبال عباس میرزا قرار گرفت. محل مذاکرات از طرف پاسکویچ دهخوارقان (آذرشهر) تعیین گردید و سران دو کشور در آنجا حضور یافتند. در مجلس مذاکرات دهخوارقان، پاسکویچ قرار صلح را به واگذاری ایالات ایروان، نخجوان، ماکو، طالش و مغان و نیز پرداخت بیست کرور اشرفی از طرف ایران مشروط کرد، اما مذاکرات دهخوارقان در پی عدم موافقت ایران با شکست مواجه شد. با وساطت مکدونالد سفیر انگلیس مقرر گردید که مذاکرات صلح مجدداً و این بار در قریه ترکمانچای آغاز شود. در پایان مذاکرات طولانی، مبلغ غرامت ۱۰ کرور معادل ۵ میلیون تومان تعیین گردید که قبل از امضای معاهده باید به روس‌ها می‌رسید. بدین ترتیب و پس از طی مراحل مختلف، بخشی از وجه مصالحه رسید و طرفین عهدنامه صلح بین دو کشور را پنجم شعبان ۱۲۴۳/ بیست و یکم فوریه ۱۸۲۸ در دهکده ترکمانچای امضاء کردند. همچنین جهت تفسیر برخی مواد عهدنامه ترکمانچای چندین عهدنامه دیگر نیز به آن الحاق شد.

واژگان کلیدی:

ایران، روسیه، قاجاریه، عهدنامه ترکمانچای، مذاکرات، غرامات جنگ، فتحعلی شاه، عباس میرزا نایب‌السلطنه، محمد شاه، ناصرالدین شاه.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

^۱. پژوهشگر تاریخ و مطالعات اسنادی (بازنشسته سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، تهران- ایران

f.ghaziha@gmail.com

مقدمه

برای بررسی و چگونگی وقوع جنگ‌های دوم ایران و روس و در پی آن، نحوه انعقاد قرارداد ترکمانچای گریزی از پرداختن هرچند خلاصه به چگونگی روابط دو کشور از گذشته‌های دور نیست. قدیمی‌ترین روابط بین ایرانیان و ملل اسلاو را که اسلاف روس‌ها هستند، شاید بتوان در لشکرکشی داریوش اول هخامنشی به سواحل شمالی دریای سیاه در سنه ۵۱۳ قبل از میلاد مسیح جستجو کرد. اما روابط حقیقی و تاریخی بین ایران و روس با یک سلسله استیلاء و تاخت‌وتاز از طرف روس‌ها (جمالزاده، ۱۳۷۲: ۱۹) چه از طرف خشکی و چه از طرف دریای خزر به ایران آغاز می‌شود که بنا بر قرائنی که ارنست کونیک^۱ مورخ روسی به دست آورد، تاریخ اولین تاخت‌وتاز را در سال ۸۸۰ م. دانسته است (جمالزاده، ۱۳۷۲: ۳۶ و ۲۰). در سال ۱۲۹۸ ق. / ۱۹۱۱ م. نیز جمعی از روس‌ها با شانزده کشتی دریای خزر را پیموده و به خاک طبرستان حمله کردند. اما تا اواخر قرن یازدهم هجری قمری / هفدهم میلادی، ظاهراً تاخت‌وتازهایی که روس‌ها به نواحی مختلف ایران داشته‌اند، هنوز حالت سلطه‌جویی نداشته و دنباله‌ای پیدا نمی‌کرد تا اینکه در سال ۱۰۸۹ ق. / ۱۶۶۸ م. یکی از قزاقان ناحیه رود دون به نام ستنکو رازین^۲ با لشکریانش در سواحل دریای خزر پیشروی کردند. شاه سلیمان صفوی با او به مقابله برخاست و لشکریانش را که تا دروازه شهر رشت رسیده بودند، به عقب راند (نفیسی، ۱۳۷۲: ۱۱۱-۱۱۲) و بدین ترتیب در دوره صفویان، گرجستان تا سواحل شرقی دریای سیاه جزو خاک ایران شده بود. منتهی چون پادشاهان گرجستان مسیحی بودند، صفویه یک قسم اتحادی با ایشان برقرار کرده بودند و در برخی کارها، استقلال جزئی به پادشاهان گرجستان داده بودند (نفیسی، ۱۳۷۲: ۱۱۲-۱۳۷۲: ۱۱۱). اما روس‌ها پس از انقراض صفویه بر متصرفات جنوبی خود افزوده و با گرجستان همسایه شدند. بنابراین، هر وقت که پادشاهان گرجستان از جانب ایران نگران می‌شدند، در صدد هواخواهی و پشتیبانی دربار روسیه برمی‌آمدند (نفیسی، ۱۳۷۲: ۶۶). پطر کبیر در سال ۱۱۳۵ ق. که نقطه زوال حکومت صفوی بود، به بهانه کشتن اتباع روس توسط کارگزاران ایران از گردنه‌های جبال قفقاز گذشته و دربند و همچنین نواحی ساحلی دریای خزر را تصرف کرد. اما نادر شاه مقتدر چند سال بعد، آن نواحی را بازستاند (جمالزاده، ۱۳۷۲: ۱۹). با سقوط نادر شاه اوضاع ایران دوباره دچار هرج‌ومرج شد و جانشینان نادر و پس از وی، کریم خان زند و جانشینان او مدت پنجاه سال بدون داشتن تسلط کامل بر تمام نواحی ایران

^۱. Ernest Koenig

^۲. Stenka Razin

حکمرانی کردند تا اینکه آقا محمد خان قاجار بر سر کار آمد و سلسله قاجار را تأسیس کرد (مقتدر، ۱۳۱۸: ۲۳۴). در این زمان، پادشاه مسیحی گرجستان چون از جانب ایران احساس خطر کرد، خود را تحت حمایت روسیه قرار داد و به همین دلیل، آقا محمد خان در سال ۱۲۰۹ ق. در صدد حمله به گرجستان برآمد (نفیسی، ۱۳۷۲: ۶۷). هجوم آقا محمد خان به گرجستان که با بی‌رحمی و خشونت فوق‌العاده‌ای همراه بود، منجر به عواقب وحشتناکی شد که کمترین آن، گرایش ملل قفقاز به روسیه تزاری بود، تا خود را از هجوم و اسارت ایرانیان نجات دهند. روسیه نیز با استفاده از این موقعیت توانست منطقه زرخیز و پهناور قفقاز را که در حدود ۴۰۰ سال تحت ایران قرار داشت، زیر نفوذ و سلطه خود قرار دهد (عشقی، ۱۳۵۳: ۳۸).

جنگ‌های اول ایران و روسیه

بعد از مرگ کاترین و آقا محمد خان و روی کار آمدن فتحعلی شاه در ایران و پل در روسیه، قیصر گرجستان (سال ۱۸۰۰ م.) به نفع امپراطور روسیه از سلطنت کناره‌گیری کرد، اما برادرش که مخالف این اقدام بود، از فتحعلی شاه کمک خواست، فتحعلی شاه هم برای بیرون راندن روس‌ها از گرجستان قبول کرد که با وی همراهی کند. روس‌ها به‌موقع از این نقشه آگاه شده، در صدد مقابله برآمدند و به‌این ترتیب بود که در سال ۱۲۱۸ ق./ ۱۸۰۳ م. قوای روس شهر گنجه را موردتهاجم قرار دادند. با حمله روس‌ها، این شهر بر اثر توطئه و خیانت سقوط کرد و مسلمانان آنجا قتل‌عام شدند. این خبر باعث صدور حکم جهاد و جنگ با کفار روسیه توسط علمای تهران گردید (واتسن، ۱۳۴۸: ۱۴۰-۱۳۹). در این میانه، عباس میرزا به فرماندهی سپاه ایران منصوب شد و روز ۱۴ صفر ۱۲۱۹ از تبریز به‌جانب ایروان حرکت کرد و به‌این ترتیب بود که جنگ اول ایران و روس که علت اساسی آن را می‌توان تمایل هر دو دولت به تصرف ناحیه گرجستان دانست، آغاز شد (شمیم، ۱۳۷۱: ۸۷-۸۶). سال اول جنگ بر قشون ایران چندین شکست فاحش پی‌درپی وارد آمد و تا سال ۱۲۲۷ ق./ ۱۸۱۲ م. جنگ‌وگریز بین دو کشور ادامه داشت و هر زمان فتح و پیروزی نصیب یکی از طرفین می‌شد. باید گفت که کشورهای انگلستان و فرانسه در این میان به رقابت برخاسته بودند و هر یک مدتی حکومت ایران را فریب داده و دیگری را متهم به ریاکاری نموده، قول به تجهیز ایران علیه جنگ با روسیه می‌دادند، اما هر بار درحالی‌که ایران با این وعده‌ها فریفته گشته و در صدد دفاع یا حمله برمی‌آمد، کمک خودشان را دریغ نموده و قشون ضعیف و ناتوان ایران را تنها می‌گذاشتند تا اینکه استقلال و تمامیت ارضی روسیه به علت

فتوحات تاریخی ناپلئون در سال‌های ۱۲۲۸-۱۲۲۷ ق. / ۱۸۱۳-۱۸۱۲ م. به خطر افتاد و امپراطور روسیه مصمم شد که عمده قوای خود را در مرزهای غربی متمرکز سازد و برای اجرای این امر، مجبور به خاتمه جنگ با ایران شد. پیشنهاد صلح و ترک مخاصمه از طرف روسیه مورد استقبال ولیعهد ایران قرار گرفت، اما سعی و کوشش دیپلمات‌های ایران و روسیه جهت تأمین آرامش و استقرار صلح در سرحدات به‌جایی نرسید و آتش جنگ مجدداً شعله‌ور شد. این بار نیروهای روسی با حمله‌ای ناگهانی و غیرمنتظره به قلب سپاه ایران یورش بردند و لشکر ولیعهد به کلی تارومار شد (عشقی، ۱۳۵۳: ۱۷۲-۱۷۰). با سقوط لنکران در پی دیگر فتوحات روس‌ها، تمام سواحل غربی دریای خزر به دست روس‌ها افتاد (مهدوی، ۱۳۶۴: ۲۱۴) و فتحعلی شاه که همه درها را به روی خود بسته دید، ناچار شد شرایط کمرشکن صلح را بپذیرد. در نتیجه، میرزا ابوالحسن خان از طرف ایران و ژنرال رتیشچف^۱ از جانب روسیه در محلی بهنام گلستان واقع در ساحل رودخانه زیوه در تاریخ ۱۶ شوال ۱۲۲۸ ق. / ۱۲ اکتبر سال ۱۸۱۳ م. به مذاکره پرداختند، نتیجه اینکه، بالاخره جنگ‌های ده‌ساله ایران و روسیه - البته بر اثر میانجیگری و تلاش سرگوراولی سفیر انگلیس) پایان یافت و بر طبق عهدنامه گلستان، قسمت‌هایی از خاک ایران در تصرف روس‌ها باقی ماند. دولت ایران برای پس گرفتن اراضی مزبور اصرار می‌ورزید و اما سفیر انگلیس که به اقتضای سیاست دولت متبوع خود می‌خواست به هر نحو که بود، به جنگ روس و ایران پایان دهد، با وعده‌های فریبنده، فتحعلی شاه را به انعقاد عهدنامه صلح گلستان وادار ساخت (قائم‌مقامی، ۱۳۴۹، ۱۳۴۹: ۲۴۴). فتحعلی شاه شرایط کمرشکن صلح را پذیرفت و عهدنامه صلح گلستان را منعقد ساخت (مهدوی، ۱۳۶۴: ۲۱۴). بدین ترتیب و بالاجبار، عباس میرزا ولیعهد که فرمانده جنگ بود، بر اساس معاهده گلستان در مقابل وعده ساده روسیه مبنی بر پشتیبانی از او برای رسیدن به سلطنت، از تمام دعاوی ایران در باره سرزمین‌های اشغالی توسط روس‌ها صرف‌نظر کرد و آنها را به روس‌ها واگذاشت و ضمناً متعهد گردید که در این دریا هیچ‌گاه کشتی جنگی نداشته باشد (بروکلمان، ۱۳۴۶، ۵۸۲).

^۱. Retishchoof

جنگ‌های دوم ایران و روس

مواد عهدنامه گلستان نه روس‌ها و نه حکومت ایران را راضی کرده بود، به‌خصوص به سبب ابهاماتی که در خطوط سرحدی وجود داشت، گهگاه از طرف هر دو کشور نمایندگانی جهت مذاکره اعزام می‌شدند که بی‌نتیجه بود و در پی آن نیز تجاوزهایی از سوی روسیه تزاری به ایران صورت می‌گرفت، تا اینکه در سال ۱۲۴۱ق. گوگچه توسط قوای روس گوگچه تصرف شد. دولت ایران نسبت به این تصرف و بدرفتاری با ایرانیان آنجا شدیداً اعتراض کرد و سفیری به روسیه اعزام نمود. در این اثناء الکساندر امپراطور روسیه درگذشت (۱۲۴۱ قمری) و پرنس منچیکوف^۱ از طرف نیکلا امپراطور جدید روسیه به دربار ایران اعزام شد تا نسبت به طرز رفتار با مسلمانان گنجه و همچنین تصرف ناحیه گوگچه رسیدگی نماید (تاجبخش، ۱۳۶۴: ۴۷). اما خشونت‌هایی که پرنس روس در رفتار و گفتگوهای خود با ایرانیان به کار برد، مزید بر اخبار وحشتناکی که از زجر و شکنجه اهالی مسلمان قفقاز به دست روس‌ها می‌رسید، موجب بروز هیجان عمومی در تهران گردید (وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، ۳۲۳). بنابراین، به قول عبدالله‌یف نویسنده روسی، شرفیابی سفیر روس در محیط آشکارا ناخوشایند و غیردوستانه‌ای صورت گرفت و اکنون دیگر جنگ دوم بین ایران و روسیه اجتناب‌ناپذیر بود (عبدالله‌یف، ۱۳۵۶: ۹۹). در این زمان بود که ناچار فتحعلی شاه در چمن سلطانی، مجلسی از رجال، اعیان، روحانیان، سرداران و سران ایلات و عشایر ترتیب داده، موضوع جنگ را مطرح کرد. در این مجلس تقریباً عقیده عموم به ادامه جنگ بود و حکم جهاد از طرف علما صادر شد؛ تنها کسی که در آن مجلس ساکت ماند، قائم‌مقام بود. به این ترتیب، قشون ایران به فرماندهی عباس میرزا جنگ را شروع کرد و دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه آغاز گردید و سپاه ایران بار دیگر به فرماندهی عالی عباس میرزا، جنگی را شروع کرد که موقعیت و موجودیت ایران را سخت به خطر انداخت. جنگ در ۲۲ ذی‌حجه ۱۲۴۱ق. / ۲۸ ژوئیه ۱۸۲۶م. با هجوم حسین خان سردار، بیگلربیگی ایروان آغاز شد. حسین خان از مرزهایی که در عهدنامه گلستان تعیین شده بود، گذشت و سپاهیان روس را در هم کوبید و شکست‌های بزرگ بر آنها وارد کرد (اجلالی، ۱۳۷۳: ۲۷). در پیکارهایی که سپس رخ داد، نیز ایرانیان موفق شدند بیشتر نواحی از دست‌رفته بر اساس عهدنامه گلستان را بازستانند و روس‌ها با دادن ۴ هزار و یا به روایتی ۵ هزار کشته، شکی و شیروان را تخلیه کردند و اندکی بعد لنکران و سالیان نیز آزاد شد (ریاحی، ۱۳۶۸: ۲۳۷). نقل شده است که روس‌ها هرگز

^۱. Mentchikoffe

تصور نمی‌کردند جنگ دوم درگیرد، بهترین دلیل بر اینکه روس‌ها منتظر جنگ نبودند، این است که اعلان جنگی که به ایران داده‌اند، سه ماه و سه روز بعد از حمله ایران، یعنی در ۲۶ ربیع‌الاول ۱۲۴۲ در مسکو منتشر شده است. این اعلان را به زبان فارسی نوشته و در همان روز در مسکو در یک ورق بزرگ نسخ تعلیق و چاپ سنگی انتشار دادند. در این اعلان نوشته بودند که دولت روسیه هرگز ظن و خیال نمی‌کرد که شاه ایران هنگامی که صلح و مسالمت برقرار بود، بی‌جهت منازعه و بدون سبب به اراضی دولت روسیه هجوم آورده، جنگ و جدال اشتعال نماید. ظن و اعتقاد دولت روسیه این بوده که شاید آشوبگران مخالف حکومت ایران بوده باشند، اما معلوم شد که سالار لشکر مزبور نه از سرکردگان مخالف شاه ایران، بلکه ولیعهد و وارث تاج‌وتخت ایران بوده است (نفیسی، ۱۳۷۲: ۱۲۷/۲-۱۲۳). به‌هرروی بر اثر این شکست‌ها، تزار روسیه، فرمانده سپاه قفقاز به نام یرملوف را برکنار و ژنرال پاسکویچ را به‌جای او نشانند (عبدالله‌یف، ۱۳۵۶: ۱۵۴-۱۵۳). پاسکویچ بی‌درنگ حملات تعرضی به قلعه‌های نظامی ایران را آغاز کرد (شمیم، ۱۳۷۱: ۱۰۰) و از اواخر سال ۱۲۴۲ ق. عملیات جنگی به نفع روسیه اوج گرفت و پیشروی روس‌ها آغاز شد. عباس میرزا و فتح‌علی شاه که با توجه به روند حوادث پیش‌بینی می‌کردند که اوضاع برای سپاه ایران دشوار شود، به فاصله چند ماه از یکدیگر، دستور انبار نمودن غله در مناطق مرزی را صادر نمودند (آرشیو وزارت امور خارجه ایران، اسناد بیوتات، آلبوم ۳: برگ‌های ۴ و ۸). اما روس‌ها همچنان پیش می‌آمدند و به‌این‌ترتیب بر شهرهای گنجه، ایروان، نخجوان و قلعه عباس‌آباد و قلعه سردارآباد مستولی شدند (نفیسی، ۱۳۷۲: ۱۴۱-۱۳۵). در دوازده اکتبر ۱۸۲۷، پاسکویچ ایروان را تصرف کرد و به همین سبب ایروانسکی لقب یافت. (افشار یزدی، ۱۳۵۸: ۶۴). در این هنگام، امیر اعلان خان دنبلی، حاکم خوی نیز با روس‌ها هم‌دستان شد و شهر را به تصرف پاسکویچ درآورد یا تحویل داد. به دنبال آن، مرنند، قراچه‌داغ، مشکین‌شهر، سراب، گرمروود و برخی از محال مراغه نیز از دست ارتش ایران به در رفت (وثوق، ۱۳۵۸: ۵۶-۵۵) و اردبیل هم به تصرف روس‌ها درآمد و آنها کتاب‌های خطی و اشیاء نفیسی را که در آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی نگهداری می‌شد، تصاحب کردند و به مسکو و پترزبورگ فرستادند. در این زمان، نیروهای ایران در دو جبهه قراباغ و ایروان سخت زیر فشار سپاه تزاری قرار گرفته بودند. خان‌ها و حکام نواحی به‌رغم ملیت و پیشینه‌های تاریخی‌شان خود را به زیر پرچم روس کشیدند و در سواحل گرگان، سرکردگان ترکمان با فرماندهان مستقر در کشتی‌های جنگی روس سازش کردند و بر ضد دولت مرکزی سر به طغیان برداشتند

(پناهی سمنانی، ۱۳۷۶: ۱۷۲). شاید مهم‌ترین حادثه در این زمان، سقوط تبریز بود که بر اثر خیانت به دست روس‌ها افتاد. گرچه به دستور شاه، سربازان از نقاط مختلف عازم جبهه‌های جنگ بودند، اما شرایط نامطلوب سیاسی و نظامی ایران و به‌خصوص تهدید تهران از طرف پاسکویچ، موجب وحشت شاه و دولتمردانی شد که خود، خواهان جنگ با روسیه بودند. بنابراین، روس‌ها توسط الهیار خان آصف‌الدوله که متهم به خیانت و سازش با روس‌ها بر سر تبریز بود، پیشنهاد مذاکره و صلح دادند (ورجاوند، ۱۳۷۸: ۱۴۴).

مذاکره و مصالحه

پیشنهاد مذاکره و مصالحه روس‌ها را عباس میرزا پذیرفت و به بهرام میرزا که در این زمان در حدود خوی بود، نوشت که خود برای مصالحه به اردوی روسیه خواهد رفت (آرشیو وزارت امور خارجه ایران، ۱۲۴۳ق، آلبوم ۳: برگ ۱۵). پاسکویچ هم شخصاً از عباس میرزا خواست که جلسه‌ای با او منعقد کند و قرار مصالحه را بگذارد. در این هنگام، حسین خان سردار به دستور نایب‌السلطنه با توپ و سپاه در دهخوارقان متوقف شد و ۵۰۰ تفنگچی و شمار بسیاری سوار به‌سوی خوی و گرگر اعزام کرد (آرشیو وزارت امور خارجه ایران، آلبوم ۳، نامه عباس میرزا به بهرام میرزا). از آن‌سوی، این بار کنل مکدانلد به‌جای سرگور اوزلی، وزیرمختار انگلیس که به اقتضای مصالح دولت متبوع خود مصمم شده بود که مصالحه را تسریع کند، با عباس میرزا وارد گفتگو شد. عباس میرزا مصالحه را به ۳ شرط مشروط کرد: اول اینکه: «ما خاک و ملک ندهیم، در عوض هرقدر گنجایش دارد، پول نقد و هر جا گرفته‌اند، پس بدهند»؛ دوم اینکه: «هر چه در دست ماست، یا در دست آنهاست، به همین حالت بماند تا انقضای مدت متارکه»؛ و سیم آنکه: «هرگاه این دو شق صورت نگیرد، قرار بدهیم که رودخانه ارس سرحد دو مملکت باشد» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۸: ۱۰۴) ضمناً عباس میرزا در نامه‌ای که برای پاسکویچ فرستاد، از او برای آنکه مصالحه را انسب دانسته است، قدردانی کرد (قائم‌مقامی، ۱۳۵۸: ۱۱۰). قائم‌مقام هم موافقت خود را با این عبارت که: «این مصالحه خیر هر ۳ دولت است»، به مکدانلد اعلام داشت (قائم‌مقامی، ۱۳۵۸: ۱۱۲). اما از قرار معلوم، نه نخجوان به‌عنوان محل مذاکره تعیین شد و نه به ۳ شرطی که عباس میرزا نهاده بود، اعتناء شد. ژنرال روس دهخوارقان (آذرشهر) را به‌عنوان محل مذاکره تعیین کرد و عباس میرزا، قائم‌مقام، میرزا محمدعلی و میرزا مسعود انصاری به آنجا رفتند. پاسکویچ و سایر همراهان او با تواضع به استقبال نایب‌السلطنه آمدند و مذاکرات با حضور هیئت ایرانی و

پاسکویچ، گریبایدوف، ابرسکف و چند تن دیگر آغاز شد (انصاری، ۱۳۴۹: ۶۸). در این انجمن، پاسکویچ خواهان واگذاری ایالات ایروان، نخجوان، ماکو، طالش و مغان و پرداخت ۲۰ کرور اشرفی به روسیه شد (غنی و آشتیانی، ۱۳۲۳: ۲۱). عباس میرزا همه را پذیرفت و حتی گفت که اگر امپراطور روسیه از من پشتیبانی نکند، چاره‌ای جز این برای من نمی‌ماند که به خاک عثمانی بگریزم «یا آنکه به هند می‌گریزم و خود را تسلیم انگلیسی‌ها می‌کنم» (نفیسی، ۱۳۷۲: ۱۵۱). به‌هرروی در ادامه مذاکره، پاسکویچ به ۱۵ کرور تومان و تصرف ایالات شمال ارس راضی شد، اما فتحعلی شاه از این پیشنهاد سخت برآشت و دستور تجهیز قوا را برای ادامه جنگ صادر کرد (لاچینی، ۱۳۲۶: ۱۸-۱۷). عباس میرزا طی نامه‌ای در این زمینه به شاه نوشته بود: «دیگر دیر شده است، دیگر نمی‌توانیم جنگ کنیم جز صلح کردن چاره نیست. از طرفی به پاسکویچ صریحاً اقرار کرد که «شاه هنوز آماده پرداخت مبلغ معهود نیست و تقاضا کرد مکدونالد سفیر انگلیس با قائم‌مقام به تهران برود تا شاه را وادار کنند به تقاضاهای روسیه تن در دهد. پاسکویچ دلیلی ندید در این مورد خواهش عباس میرزا را رد کند. نیز بنا به دستور امپراطور هم مایل بود که زودتر صلح برقرار شود (نفیسی، ۱۳۷۲: ۱۵۱-۱۵۲). روز ۵ جمادی‌الاولی خبری ناگهانی باعث زحمت شد و آن این بود که لشکریان دوهزارنفره عباس میرزا با تجهیزات رهسپار مراغه شده‌اند. به این‌گونه، روس‌ها پی بردند که دولت ایران به خلع سلاح اقدام نکرده است. بنابراین، پاسکویچ هم دستور تجهیز سپاهیان را داد. وی در این زمینه نوشته بود که انتظار او از مأموریت این سپاهیان همراهی با پولی بود که قرار بود شاه بفرستد. به این ترتیب، گفتگوهای دهخوارقان موقتاً قطع شد (نفیسی، ۱۳۷۲: ۱۵۱-۱۵۲). البته پاسکویچ از اینکه با سپاهیان پیش برود و به تهران نزدیک شود، باکی نداشت. اما به دلایل متعدد از جمله تیرگی روابط روسیه با عثمانی، ادامه جنگ را به مصلحت کشورش نمی‌دانست. بنابراین، در ۲۵ جمادی‌الاولی برای تهران چنین پیغام فرستاد: «یا ارسال فوری کرورهای معهود و یا ادامه جنگ». همچنین وی در این زمینه نوشت: «به این‌گونه می‌توانم درست بدانم آیا شاه اندیشه آن را دارد که پول را بدهد یا نه، مگر آنکه عباس میرزا از من درخواست کند چند روز دیگر به او مهلت بدهم، شاید رضایت بدهم زیرا که لشکریانم آماده نیستند راه‌پیمایی بسیار بکنند، پس در روز ۲ جمادی‌الآخر به عباس میرزا اعلام کرد: «از هم جدا می‌شویم و هر یک از ما به‌نوبه خود جنگ را از سر می‌گیرد». سرانجام پس از گفتگوهای طولانی، عباس میرزا مصمم شد همه‌چیز را امضاء بکند، اما تقاضا کرد ماده‌ای در عهدنامه بگنجانند که وی را به ولیعهدی شناخته باشند.

پاسکویچ به او گفت: «دخالت در کارهای داخلی ایران را نمی‌توان در یک عهدنامه بین‌المللی وارد کرد و هیچ گفتگویی در این زمینه را نمی‌پذیرد، اما بالاخره این شرط عباس میرزا که هیچ ضرری برای روسیه نداشت، پذیرفته شد و در باره تمدید توقف جنگ به مدت پانزده روز که آن‌هم خواسته عباس میرزا بود، پاسکویچ به او گفت: «مدت متارکه تا وقتی که من بخواهم طول خواهد کشید و اگر خبرهایی که انتظار آن را دارم از تهران نرسد، اگر ببینیم که رفتار شما صادقانه نیست و اگر ببینیم میل دارید از وقت تلف کردن به ما ضرر برسانید، جنگ را از سر می‌گیریم و تنها بیست و چهار ساعت پیش از قطع روابط به شما اطلاع می‌دهیم. در نیمه جمادی‌الآخر ۱۲۴۳ نامه‌ای از فتحعلی شاه به پاسکویچ رسید، شاه نوشته بود که برای استحکام دوستی، ابوالحسن خان وزیر خارجه را که از برگزیده‌ترین مردان دربار است، به دهخوارقان می‌فرستد. پاسکویچ می‌دانست که ابوالحسن خان پیشنهادهای تازه‌ای به او خواهد کرد که غرامت جنگ را تنها پس از تخلیه آذربایجان بپردازند. پاسکویچ به امپراتور می‌نویسد که پاسخ من به ابوالحسن خان چه اینجا بیاید و چه در تبریز، کوتاه خواهد بود: یا جنگ و یا پول. پاسکویچ می‌خواست از دهخوارقان برود که ابوالحسن خان به آنجا رسید و همان‌دم با کارمندان سیاسی دفتر فرمانده کل ملاقات کرد. چنانکه اشاره رفت، به‌جای پول تنها طرح تازه‌ای از شرایط مقدماتی صلح با خود آورده بود و اطمینان داشت که حضور او سبب خواهد شد گفتگو را از سر بگیرند. فردای آن روز پاسکویچ فرستاده شاه را به خود خواند و دستور داد طرح عهدنامه صلح را که عباس میرزا امضاء کرده بود، برایش بخوانند و به او گفت یک کلمه آن عوض نخواهد شد و پس از دو ماه گفتگو، ورود یک سخنگوی دیگر تنها علامت آن است که میل دارند گفتگو را طولانی کنند و مانع از پیشروی سپاهیان باشند. البته باید گفت که در این موقع انگلیسی‌ها نیز از ناتوانی قاجارها در ایران اطمینان داشتند. به همین جهت باوجود آنکه جنگ در میان عثمانی و روسیه نزدیک بود درگیرد، مکداندل و مک نیل صادقانه می‌کوشیدند فتحعلی شاه را وادار کنند که تقاضاهای روسیه را بپذیرد. منافع انگلستان مقتضی آن بود که ایران در دست قاجارها باشد و باوجود همسایگی با روسیه به دست عباس میرزا آن را اداره کنند، همچنان که در حقیقت از ۱۲۲۸ق./ ۱۸۱۳م. این کار را کرده بودند (نفیسی، ۱۳۷۲: ۱۶۴-۱۵۵). به همین جهت مکداندل، سفیر انگلیس در تهران برای حفظ منافع انگلستان، به‌خصوص در هندوستان به دربار فتحعلی شاه شتافت و شاه غضبناک را به پرداخت ۱۰ کرویر تومان غرامت راضی کرد (لاچینی، ۱۳۲۶: ۱۹-۱۸). آنگاه به کوشش وی مقرر گردید تا دور مذاکرات صلح در قریه

ترکمانچای آغاز گردد. از طرف دولت ایران، عباس میرزا، قائم مقام و میرزا ابوالحسن خان وزیر امور خارجه و از طرف روس ها پاسکویچ، گریبایدوف و افسران ستاد وی شرکت داشتند. دکتر جان مک نیل، پزشک سفارت انگلیس نیز به عنوان ناظر در مذاکرات شرکت کرد (نفیسی، ۱۳۷۲: ۱۳۷۲-۱۶۴). به هر روی، پس از مذاکرات طولانی مبلغ غرامت، همان طور که مکداندل قول داده بود، ۱۰ کرور تومان (پانصد هزار تومان) تعیین شد و مقرر گردید که دولت ایران این مبلغ را قبل از امضای معاهده به روس ها بپردازد. طراح و نویسنده پیش نویس قرارداد ترکمانچای الکساندر گریبایدوف بود (نویی، ۱۳۶۹: ۲۷۱/۲). زیرا وی در مذاکرات ترکمانچای فعالانه شرکت داشت و همانا تمام شرایط عهدنامه را او تهیه و تنظیم کرده و شکل بخشیده بود (عبداللهی، ۱۳۵۶: ۲۰۴). فتحعلی شاه با آنکه هنوز از پرداخت غرامت ناخشنود بود، بی درنگ ۶ کرور تومان نقد از خزانه خود فرستاد تا معاهده صلح به امضاء برسد (غنی و آشتیانی، ۱۳۲۳: ۲۲)، ضمناً به عباس میرزا اعلام کرد که باید ۵ کرور آن به عنوان انعام و یک کرور به رسم مساعده و وام به روس ها تلقی گردد (قائم مقام فراهانی، [بی تا]: ۴۱-۴۰). به هر حال، در ۵ شعبان ۱۲۴۳ ق. / ۲۱ فوریه ۱۸۲۸ م. عهدنامه ترکمانچای مشتمل بر یک مقدمه و ۱۶ فصل به امضای عباس میرزا نایب السلطنه و میرزا ابوالحسن خان ایلچی، وزیر امور خارجه ایران و نمایندگان روسیه رسید. چند عهدنامه جداگانه دیگر نیز برای تفسیر و متمیم عهدنامه اصلی نوشته و به آن الحاق شد که عبارت بودند از:

- عهدنامه تجارت در باره امور بازرگانی، قضایی (از جمله قضاوت کنسولی یا کاپیتولاسیون) و امور اتباع دو طرف شامل ۹ فصل
- عهدنامه تشریفات ایلچیان و سفیران
- عهدنامه مربوط به غرامات و سرحدات، شامل تفسیر فصل ششم و چهارم عهدنامه ترکمانچای، مشتمل بر یک مقدمه و ۶ فصل و یک نتیجه

به موجب عهدنامه ترکمانچای، رود ارس مرز میان دو کشور شد؛ عبور و مرور کشتی های جنگی در دریای خزر منحصراً به روسیه واگذار گردید؛ دولت ایران ملزم شد از مجازات حکام و امیران ایرانی که به روس ها پیوسته بودند، خودداری کند و به دولت روسیه اجازه دهد در نقاط شمالی ایران به تأسیس کنسولگری بپردازد؛ در مقابل، دولت روسیه سلطنت عباس میرزا و اولاد او را پس از فتحعلی شاه به رسمیت شناخت (مهدوی، ۱۳۶۴: ۲۲۶).

با انعقاد این معاهده، نخستین پایه های قضاوت کنسولی توسط یک دولت بیگانه در ایران نهاده شد که پیامدهایی وخیم برای دولت و ملت ایران در بر داشت (نفیسی، ۱۳۷۲: ۱۸۳-).

۱۸۲). پس از آن، چند دولت اروپایی دیگر به استناد همان معاهده «دول کامله الوداد» محسوب شدند و از همان امتیاز برخوردار گردیدند. کار به جایی رسید که بسیاری از اشخاص متنفذ و ثروتمند ایرانی، خود را تحت حمایت بیگانگان قرار دادند (تقی‌زاده، ۱۳۳۸: ۲۹). مطابق فصل دوم عهدنامه الحاقی (غرامات و سرحدات)، دولت ایران متعهد شده بود تا ۲۶ رمضان ۱۲۴۳ یعنی ظرف مدت ۵۲ روز از انعقاد معاهده، ۸ کرور از ۱۰ کرور غرامت را نقداً بپردازد. پرداخت این مبلغ در این مدت کوتاه برای دولت ایران مقدور نبود؛ به‌ناچار مهلت دیگری تعیین شد و مقرر گردید که اگر ۸ کرور تومان به‌تمامی تا ۱۵ صفر ۱۲۴۴ تسلیم روسیه نشود، همه ولایت آذربایجان به‌طور قطع و دائم از ایران منفصل شود. در همین فصل آمده است که اگر دولت ایران ۷ کرور بپردازد، آذربایجان در مدت یک ماه تخلیه و به ایرانیان واگذار می‌شود، جز قلعه و ولایت خوی که تا پایان وصول کرور هشتم در اختیار ارتش روسیه باقی می‌ماند. پس از آنکه فتح‌علی شاه به‌ناچار ۶ کرور اشرافی از خزانه خود به آذربایجان فرستاد، برای تهیه دو کرور باقیمانده و تخلیه سراسر آذربایجان از قوای بیگانه، عباس میرزا نایب‌السلطنه به سبب پریشانی اوضاع و خالی بودن خزانه آذربایجان، سخت به‌زحمت افتاد (قائم‌مقامی، ۱۳۵۳: ۲۷۳) و حتی بیمار شد. پاسکوویچ به درخواست او، پیش از وصول بقیه غرامت، تبریز را در ۶ رمضان ۱۲۴۳ تخلیه کرد و عباس میرزا در خانه خود مقام گرفت (قائم‌مقامی، ۱۳۵۸: ۱۰۴). وی در تبریز، سرانجام یک کرور فراهم کرد و به روس‌ها پرداخت و شهرهای آذربایجان به‌استثنای خوی، یکی پس از دیگری تخلیه شد. (جهانگیر میرزا، ۱۳۳۷: ۱۱۴-۱۱۳).

برای تهیه کرور هشتم، به‌ناچار پای انگلستان به میان آمد (قائم‌مقامی، ۱۳۵۳: ۲۷۳)، زیرا به‌موجب فصل‌های ۳ و ۴ عهدنامه‌ای که میان ایران و انگلیس در ۱۲۲۹ ق. منعقد شده بود، در صورت بروز جنگ میان دولت ایران و یک دولت اروپایی، مشروط بر آنکه ایران جنگ را آغاز نکرده باشد، دولت انگلستان متعهد می‌شد با فرستادن سپاه و تجهیزات جنگی به ایران کمک کند یا سالی ۲۰۰ هزار تومان وجه نقد به دولت ایران بپردازد (محمود، ۱۳۷۸: ۲۰۱/۱). اما دولت انگلستان در این زمان به آن بهانه که ایران جنگ را آغاز کرده است، نخست از اجرای این تعهدات سر باز زد و چون عباس میرزا برای تهیه کرور هشتم دچار تنگنا شد، مکداندل از موقعیت استفاده کرد و اعلام داشت که ۲۰۰ هزار تومان به دولت ایران پرداخت می‌شود، به آن شرط که فصل‌های ۳ و ۴ معاهده لغو گردد (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۲۴). عباس میرزا به‌ناچار پذیرفت و مکداندل نیز آن مبلغ را به فتح‌علی شاه داد و شاه آن را

برای عباس میرزا فرستاد. عباس میرزا کتباً از شاه سپاسگزاری کرد و ضمناً اظهار داشت که ۱۶۶ هزار تومان هم خودش به سختی فراهم کرده است و هنوز برای تکمیل کرور هشتم و نجات خوی باید ۱۵۰ هزار تومان دیگر هم تهیه کند (نامه عباس میرزا به فتحعلی شاه، آرشیو خصوصی خانم نوش آفرین انصاری). از همین سند پیداست پولی که از طرف سفیر انگلستان و توسط شاه به دست عباس میرزا رسیده، مبلغ ۱۶ هزار تومان کمتر از مبلغ مقرر (۲۰۰ هزار تومان) بوده است و نمی‌دانیم آن مبلغ را مکداندل نداده یا شاه از آن برداشته است. به‌هرحال، هنوز تمام هشتمین کرور پرداخت نشده بود که در ۱۴ صفر ۱۲۴۴، امبورگر^۱ نماینده دولت روس در آذربایجان، کتباً خبر ورود گریبایدوف، اولین وزیرمختار روسیه در ایران بعد از جنگ را به وزیر خارجه، میرزا ابوالحسن خان ایلچی اطلاع داد و خواستار اجرای تشریفات لازم برای استقبال از گریبایدوف شد و ضمناً درخواست کرد که دولت ایران «هر چه زودتر امر کرور هشتم و متعاقب آن تخلیه خوی را فیصله دهند» (آرشیو وزارت امور خارجه، آلبوم ۶: برگ ۲).

گریبایدوف در روز پنجم رجب ۱۲۴۴ با سمت وزیرمختار روسیه وارد تهران شد. این مرد که خود را نماینده دولت فاتحی در پایتخت کشوری مغلوب تصور می‌کرد، بنای تفاخر و بی‌اعتنائی به شاه و بدرفتاری و خشونت به مردم را گذاشت. این‌گونه اعمال که از طرف او و سایر اعضای سفارت نسبت به ایرانیان روا می‌شد، باعث شورش مردم عاصی و رنج‌دیده گردید، به‌طوری‌که جمعی به سفارت یورش برده و گریبایدوف و همه اعضای سفارت او را جز یک نفر به قتل رساندند و بدین ترتیب درست یک سال بعد از اتمام جنگ، اولین سفیر روس در تهران توسط مردم دل‌سوخته کشته شد (قائم‌مقامی ۱۳۴۸: ۲۵۶-۲۵۵). شهادت منصفانه ملسوف منشی جان‌سالم به در برده سفارت روسیه که دال بر رفتار تحریک‌آمیز گریبایدوف بود، موجب شد تا امپراتور روسیه سیاست ملایمت‌آمیزی در پیش بگیرد. به‌هرحال، دولت ایران از دلجوئی چیزی فرونگذاشت و با اظهار تمایل روسیه و توافق ایران، هیئتی جهت عذرخواهی از آن واقعه به دربار روسیه اعزام نمود، این هیئت که خسرو میرزا فرزند عباس میرزا در رأس آن بود، مورد التفات و استقبال امپراتور قرار گرفت. امپراتور نامه‌ای به فتحعلی شاه نوشت و دربار ایران را نسبت به گذشت خود از واقعه قتل گریبایدوف مطمئن ساخت و کنیاز دالغوروکی^۲ را به جای وی به ایران اعزام داشت.

^۱. Ambourgher

^۱. Dolgorouki Kniaz

^۲. Kniaz Dolgorouki

در ادامه موضوع غرامت باید گفت که چنین به نظر می‌رسد که مقداری از وجه مزبور تا رجب ۱۲۴۴ پرداخت شده بود، زیرا به ایران فرصت داده شد که در ۱۳ رجب، ۵۰ هزار تومان و در ۲۰ رجب، ۱۰۰ هزار تومان پرداخت کند تا خوی تخلیه شود (قائم‌مقامی، ۱۳۵۳: ۲۷۹-۲۷۷). در ۱۳ رجب، ۵۰ هزار تومان پرداخت شد، اما اولیای امور نتوانستند ۱۰۰ هزار تومان دیگر را تهیه کنند تا اینکه در محرم ۱۲۴۵ به‌ناچار مقداری از جواهرات سلطنتی به ارزش ۱۲۵ هزار تومان به‌عنوان وثیقه ۱۰۰ هزار تومان کسری کرور هشتم به روس‌ها سپرده شد و خوی تخلیه گردید (قائم‌مقامی، ۱۳۵۳: ۲۸۱-۲۸۰).

مطابق اسنادی که مورد بررسی قرار گرفته است، چنین به نظر می‌رسد که مقرر گردیده بود ۵۰ هزار تومان از آخرین ۱۰۰ هزار کرور هشتم به‌صورت نقد و ۵۰ هزار تومان بقیه به‌صورت غله پرداخت شود (قاضیها، ۱۳۷۴: ۱۷۹، ۱۶۲، ۱۴۹). اما مسلم است که تا شوال ۱۲۴۵ هنوز دولت ایران ۵۰ هزار تومان بدهکار بود و بخشی از جواهرات نیز در رهن روسیه قرار داشت، زیرا در این تاریخ، فتحعلی شاه فرمان داد آن پول پرداخت و جواهرات از رهن روسیه بیرون آورده شود (قاضیها، ۱۳۷۴: ۸۹-۸۸). به دنبال آن، در ربیع‌الاول ۱۲۴۶، عباس میرزا به آقا محمدحسن خزانه‌دار دستور داد که مبلغ ۲۷۳۴۱ تومان و ۳ هزار دینار، باقیمانده وجه کرور هشتم را که قسمت عمده آن را فتحعلی شاه داده و مقداری نیز از وجوه آذربایجان و بابان و قسمتی هم از وجوه مساعده بوده است، تحویل روس‌ها دهد و جواهرات شاه را از رهن بیرون آورد و توسط خسرو میرزا به دربار و نزد شاه ارسال دارد (قاضیها، ۱۳۷۴: ۵۵-۵۴). باید گفت که در همین سال، یک کرور از غرامت ایران به روسیه توسط تزار روس و در پی سفر هیئتی از ایران به روسیه برای ابلاغ تأسف دولت ایران از قتل گریبایدوف بخشیده شد و کل مبلغ غرامت به ۹ کرور کاهش یافت (قائم‌مقامی، ۱۳۴۸: ۲۵۶-۲۵۵). وضع به همین منوال ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۲۴۹ ق. ولیعهد عباس میرزا و در سال ۱۲۵۰ ق. فتحعلی شاه درگذشتند و سلطنت بعد از طی فراز و نشیبی به محمد شاه فرزند عباس میرزا رسید، درحالی‌که ایران هنوز به کشور فاتح روسیه مقروض بود. در سال ۱۲۵۱ ق. دولت ایران به سبب تحمل مخارج سنگین مراسم اولین سالگرد سلطنت محمد شاه، تقاضای مهلت بیشتری برای پرداخت آخرین کرور یا کرور نهم کرد. ظاهراً دولت روسیه پذیرفت و موعد پرداخت به اول محرم ۱۲۵۲ موکول شد. اما چون زمان پرداخت نزدیک شد، دولت ایران اعلام کرد که مبلغ ۱۲۵ هزار تومان را در تاریخ تعیین‌شده و بقیه را طی ۱۸ ماه آینده می‌پردازد (قاضیها، ۱۳۸۰: ۷۰). دولت روسیه این درخواست را

نیز توسط نامه‌ای که سیمونیچ، وزیرمختار وقت روسیه در ایران برای میرزا مسعود انصاری، وزیر خارجه محمد شاه نوشت، قبول کرد (آرشیو وزارت امور خارجه، آلبوم ۷، ص ۵ پشت صفحه). باین‌همه، تمام این مبلغ در دوره محمد شاه پرداخت نشد و تا دوره پادشاهی ناصرالدین شاه و صدارت میرزا آقا خان نوری، دولت ایران هنوز ۳۳۰ هزار تومان بدهکار بود. در این زمان چون جنگ‌های کریمه آغاز شد، دولت روسیه از بیم نزدیک شدن ایران به دولت عثمانی، با ایرانیان به مذاکره برخاست و معاهده‌ای سری میان دو دولت منعقد شد (۱۸ محرم ۱۲۷۱ق. / ۲۱ سپتامبر ۱۸۵۴م.) که مطابق فصل ۳ این معاهده، دولت روسیه از بقیه کرور نهم، یعنی از ۳۳۰ هزار تومان باقیمانده به‌طورقطع صرف‌نظر کرد (قائم‌مقامی، ۱۳۴۸: ۲۲۷) و مسئله غرامات پایان یافت. به‌این‌ترتیب، مسئله کرور آخر غرامات جنگ ایران و روس که پرداخت آن در زمان سه پادشاه قاجار به طول انجامید، أخراًمر با گذشت روسیه در برابر عدم سازش ایران با عثمانی در زمان ناصرالدین شاه پایان پذیرفت.

فرجام عهدنامه ترکمانچای

پس از انقلاب اکتبر (۱۹۱۷م.) باآنکه تروتسکی، وزیر امور خارجه دولت روسیه شوروی در یادداشت مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۱۸ به دولت ایران، تمام معاهدات منعقد شده میان روسیه تزاری و دولت ایران را لغو کرد، اما اهمیت این یادداشت به سبب آشفتگی احوال ایران و فقدان حکومتی مقتدر و آگاه به منافع ملی درک نشد و موردتوجه و استقبال اولیای دولت ایران قرار نگرفت. ایرانیان زمانی متوجه آن شدند که برای استیفای حقوق خود و لغو آن قراردادهای مذلت‌بار بسیار دیر شده بود. پس از جنگ جهانی اول، کوشش‌هایی برای الحاق مجدد خاک قفقاز به ایران صورت گرفت و هیئتی از بادکوبه به تهران آمد و با اعضای دولت ایران در باره شهرهایی که بر اساس دو عهدنامه گلستان و ترکمانچای ضمیمه خاک روسیه شده بود، به گفتگو نشست و راجع به چگونگی پیوستن آنها به ایران به رایزنی پرداخت. اما کوشش نمایندگان دولت ایران در کنفرانس صلح ورسای (ژانویه ۱۹۱۹) دراین‌باره، به دلیل مخالفت‌ها و کارشکنی‌های دولت انگلیس بی‌نتیجه ماند (سپهر ۱۳۶۲: ۴۵۷-۴۵۱) و سرانجام با اشغال قفقاز توسط بلشویک‌ها، موضوع الحاق مجدد آن نواحی به ایران به‌طورکلی کنار گذاشته شد.

دو سال پس از استقرار شوروی، دولت ایران علیقلی انصاری (مشاورالممالک) را برای انعقاد پیمانی با آن دولت بر پایه مواد شانزده‌گانه‌ای که تروتسکی و چیچرین در باره ایران

پیشنهاد کرده بودند و نیز آنچه دولت انقلابی روسیه پیش از آن، در باره نقض عهدنامه ترکمانچای گفته بود، مأمور کرد. این پیشنهادها به اجمال موادی چون فسخ تمام قرض‌های ایران به حکومت تزاری، فسخ همه امتیازاتی که پیش از این به حکومت روسیه و یا اشخاص تبعه روس از طرف دولت ایران داده شده بود، همچنین لغو کاپیتولاسیون را دربرداشت (قاضیها، ۱۳۸۰: ۱۶۳-۱۶۲). سرانجام در تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ م. / ۸ اسفند ۱۲۹۹ م. یعنی ۵ روز بعد از کودتای رضا خان سردار سپه، «عهدنامه مودت بین ایران و دولت شوروی روسیه» مشتمل بر یک مقدمه و ۲۶ ماده در مسکو امضاء شد. بر اساس ماده اول این عهدنامه، دولت شوروی به سیاست جابرانه امپریالیستی روسیه در ایران خاتمه می‌دهد و قراردادهایی که دولت امپراتوری سابق یا اتباع روس با دولت ایران منعقد کرده بودند، از درجه اعتبار ساقط می‌داند (ذوقی، ۱۳۶۸: ۵۴۳-۵۴۲). این عهدنامه در ۲۳ آذر ۱۳۰۰ به امضای مؤتمن‌الملک (حسین پیرنیا)، رئیس مجلس شورای ملی رسید و در ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۴۰ ق. / ۴ بهمن ۱۳۰۰ ش. احمد شاه قاجار بر آن صحنه گذاشت (وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰: ۲۰۳-۲۰۲؛ ذوقی، ۱۳۶۸: ۵۴۲-۵۳۳) و بدین ترتیب، فصل جدیدی در روابط میان ایران و اتحاد شوروی گشوده شد.

نتیجه‌گیری

قوای نظامی ایران در سی‌امین سال سلطنت فتحعلی شاه که مصادف با آغاز دوره دوم جنگ‌های ایران و روس بود (۱۲۴۱ ق.)، بر اثر کثرت جنگ‌های داخلی و خارجی که در طول سی سال پادشاهی فتحعلی شاه به وقوع پیوسته بود، فرسوده شده بود. با این شرایط اسفبار و بدون اینکه از جنگ‌های گذشته عبرتی گرفته شده باشد و بدون کاربرد دیپلماسی، به‌اضافه عدم آگاهی نسبت به سیاست‌های جهانی، تصمیم بر جنگ، کشور را به دام نبردی نابرابر سوق داد. لذا عباس میرزا بر اثر ناکامی در غلبه بر دشمن متجاوز، بی‌پولی و درماندگی در برابر مخارج سپاه، خست و تنگ‌نظری فتحعلی شاه و امتناع او از تأمین مخارج سپاه، بیش از پیش دچار ناامیدی و یأس گردید. بنا به جهات فوق، دوره دوم جنگ‌های ایران و روس طولانی نشد (۱۲۴۳-۱۲۴۱ ق.) و اما شکستی بسیار سنگین بر کشورمان تحمیل گردید که افزون بر از دست دادن بخش وسیعی از خاک وطن، سال‌های متمادی دولتمردان در پی جمع‌آوری و تهیه مبالغ مربوط به غرامت جنگ و همچنین تحمل مواد دیگر عهدنامه ترکمانچای از جمله کاپیتولاسیون بودند که سنگینی بار این فشار شانه‌های نحیف ملت رنج‌دیده ایران قرار داشت.



عباس میرزا نایب السلطنه ولیعهد فتحعلی شاه (۱۲۴۹-۱۲۰۳ق.). مدفون در مشهد- حرم امام رضا (ع)



فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۱۸۵ق.). دومین پادشاه سلسله قاجار



ایوان فیودورویچ پاسکویچ (۱۸۵۶-۱۷۸۲م.). سردار روسی و فرمانده جنگ دوم ایران و روس



نیگولای اول (۱۸۵۵-۱۷۹۶م.). امپراتور روسیه که جنگ های دوم ایران و روس منجر به عهدنامه ترکمانچای در زمان او رخ داد.

سند شماره یک- نامه عباس میرزا به میرزا ابوالحسن خان وزیر دول خارجه در موضوع مذاکره با

یرملوف فرمانده سپاه قفقاز، شوال ۱۲۴۰ق.

(آرشیو وزارت امور خارجه: ۲۵-۲-۱۲۵۱ق.)

مستور نظر عدالت که عرض شد پیش از این به این جهت که در این جهت

که در اول محرم الحرام موعود است که در این جهت به این جهت



تکمیل این جهت به این جهت چون در این جهت به این جهت

در این جهت به این جهت که در این جهت به این جهت

در این جهت به این جهت که در این جهت به این جهت

در این جهت به این جهت که در این جهت به این جهت

در این جهت به این جهت که در این جهت به این جهت

در این جهت به این جهت که در این جهت به این جهت

در این جهت به این جهت که در این جهت به این جهت

در این جهت به این جهت که در این جهت به این جهت

سند شماره ۴- نامه‌ای در تقاضای مهلت بیشتر از طرف ایران برای پرداخت غرامات جنگی،

ذی الحجه ۱۲۵۱ق. (آرشیو وزارت امور خارجه: ۱۲-۲-۱۲۵۰ق.).

منابع و مأخذ

اسناد:

آرشیو اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه، اسناد بیوتات، آلبوم‌های شماره ۷ و ۶ و ۳.
آرشیو خصوصی خانم نوش‌آفرین انصاری، نامه عباس میرزا به فتحعلی شاه.

کتاب‌ها:

اجلالی، فرزام، ۱۳۷۳، *بنیان حکومت قاجار، نظام سیاسی ایلی و دیوان‌سالاری مدرن*، تهران: نشر نی.
افشار یزدی، محمود، ۱۳۵۸، *سیاست اروپا در ایران*، ترجمه: ضیاءالدین دهشیری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
انصاری، میرزا مسعود، ۱۳۴۹، *سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورگ*، به تصحیح: فرهاد میرزا معتمدالدوله، به کوشش: محمد گلبن، تهران: کتابخانه مستوفی.
بروکلمان، کارل، ۱۳۴۶، *تاریخ ملل و دول اسلامی*، ترجمه: هادی جزایری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
پناهی سمنانی، محمد احمد، ۱۳۷۶، *قائم‌مقام فراهانی چهره درخشان ادب و سیاست*، تهران: نشر ندا.
تاجبخش، احمد، ۱۳۶۲، *سیاست‌های استعماری روسیه تزاری، انگلستان و فرانسه در ایران*، تهران: اقبال.
تقی‌زاده، سید حسن، ۱۳۳۸، *خطابه آقای سید حسن تقی‌زاده (تاریخ اوایل انقلاب مشروطیت ایران)*، تهران: انتشارات باشگاه مهرگان.
جمالزاده، محمدعلی، ۱۳۷۲، *تاریخ روابط ایران و روس*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.
جهانگیر میرزا، ۱۳۳۷، *تاریخ نو*، به کوشش: عباس اقبال آشتیانی، تهران: علی‌اکبر علمی و شرکاء.
دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲، *اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
ذوقی، ایرج، ۱۳۶۸، *تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرتهای بزرگ*، تهران: نشر پازنگ.
ریاحی، محمدامین، ۱۳۶۸، *سفارتنامه‌های ایران*، تهران: انتشارات توس.
سپهر، مورخ‌الدوله (احمدعلی)، ۱۳۶۲، *ایران در جنگ بزرگ*، تهران: نشر ادیب.
شمیم، علی‌اصغر، ۱۳۷۱، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: انتشارات علمی.
طباطبائی‌مجد، غلامرضا، ۱۳۷۳، *معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
عبدالله‌یف، فتح‌الله، ۱۳۵۶، *گوشه‌ای از تاریخ ایران*، ترجمه: غلامحسین متین، تهران: انتشارات ستاره.
عشقی، خانک، ۱۳۵۳، *سیاست نظامی روسیه در ایران*، تهران: شرکت افست.
قاضیها، فاطمه، ۱۳۷۴، *اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمان‌چای*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
-----، ۱۳۸۰، *اسناد روابط ایران و روسیه از دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه*، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
-----، ۱۳۸۰، *اسناد روابط ایران و روسیه در دوران فتحعلی شاه و محمد شاه*، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

قائم‌مقام فراهانی، ابوالقاسم، [بی تا]، منشآت، گردآورنده: فرهاد میرزا معتمدالدوله، تهران: ارسطو. قائم‌مقامی، جهانگیر، ۱۳۵۸، نامه‌های سیاسی و تاریخی سیدالوزراء قائم‌مقام فراهانی، تهران: دانشگاه ملی ایران.

لاچینی، ابوالقاسم، ۱۳۲۶، احوال و دستخطهای عباس میرزا قاجار نایب‌السلطنه، تهران: بنگاه مطبوعاتی افشاری.

محمود، محمود، ۱۳۶۲، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، جلد ۱، تهران: اقبال. مقتدر، غلامرضا، ۱۳۱۸-۱۳۱۹، تاریخ نظامی ایران، تهران: چاپخانه فردین و برادر. مهدوی، هوشنگ عبدالرضا، ۱۳۶۴، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران: امیرکبیر.

نفیسی، سعید، ۱۳۷۲، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، جلد ۲، تهران: انتشارات بنیاد. نوایی، عبدالحسین، ۱۳۶۹، ایران و جهان، جلد ۲، تهران: مؤسسه نشر هما. واتسن، گرنت، ۱۳۴۸، تاریخ ایران در دوره قاجاریه، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: امیرکبیر. وثوق، علی، ۱۳۵۸، عبرت‌نامه روشندان، تهران: [بی جا]. ورجاوند، پرویز، ۱۳۷۸، ایران و قفقاز، تهران: نشر قطره. وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰، راهنما و مشخصات معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.

مجلات:

غنی، قاسم و عباس اقبال آشتیانی، «گرامات معاهده ترکمانچای و جریان پرداخت آن»، یادگار، ۱۳۲۳ ش، سال اول، شماره ۲، صص. ۳۵-۲۱.

قائم‌مقامی، جهانگیر، "مسئله گرامات جنگ دوم ایران و روسیه"، بررسیهای تاریخی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۳، سال نهم، شماره اول، صص. ۲۹۰-۲۶۱.

-----، "نکاتی در باره قتل گریبایدوف"، بررسیهای تاریخی، ۱۳۴۸، سال چهارم، شماره ۵ و ۶، صص. ۳۰۱-۲۵۵.

-----، "سندی در باره سفارت یرملوف به ایران"، بررسیهای تاریخی، بهمن و اسفند ۱۳۴۹، شماره ششم، صص. ۲۵۶-۲۴۱.